

— آقای دکتر! چه شد که به تاریخ ایران روی آوردید؟ از مقطع دانشجویی تا به حال تحصیلات دانشگاهی شما چه بوده است؟

آقای دهباشی عزیز خیلی ممنون که با من این مصاحبه را انجام می‌دهید. در طول تحصیلات دوره لیسانس برایم جالب بود که تاریخ دوره باستان ایران را اروپاییان و آمریکاییان نوشته بودند و دلیل اینکه ایرانیان به غیر چند نفر مانند دکتر احسان یارشاطر، دکتر شاپور شهبازی این کار را نکرده‌اند برای من بصورت معمایی بود. در ضمن چون من مدتی در یونان زندگی کرده بودم و در کلاسهای تاریخ همیشه از ایرانیان یاد می‌شد و در سفرهای دور و بر به مناطق مهم تاریخی می‌رفتم، مرا به رشته تاریخ کشاند. البته دریافتم که دلیل نبودن ایرانیان در حیطه تاریخ ایران باستان نداشتن امکانات مختلف مانند دسترسی به مجلات و کتب علمی ایرانشناسی، ندانستن زبانهای مهم اروپایی برای خواندن آنها (انگلیسی، فرانسه، آلمانی) و ندانستن و یا آشنایی نداشتن با متون یونانی و لاتین می‌بوده. مسئله دیگر که در این چند دهه رفع شده آشنایی ناکامل با زبانهای ایران باستان است. خوشحالم که ایرانیان در مطالعه زبانهای پهلوی و سغدی مورد ستایش همه هستند. اما هنوز در زبان اوستایی این خارجی‌ها هستند که حرف آخر را می‌زنند.

اما از لحاظ دسیپلین تاریخی نیز ما هنوز ضعیف هستیم و نیاز به ترجمه کتابهای مهم



● دکتر تورج دریایی

تاریخ‌نویسان مهم اروپا داریم، چون دیگر لثوبولد فن رنک و نظیر آنها برای امروزه کارکرد آنچنانی ندارند. همه این نکات دست به دست هم داده و رشته مطالعات تاریخ ایران باستان در ایران را تحلیل دادند. من در دانشگاه UCLA دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس این بخت را داشتم که با چند استاد در تماس باشم و با آنها درس بخوانم. اول از همه زبانهای هند و ایرانی بود که تحت آموزش Hanns - Peter Schmidt هانتس پیتر اشمیت زبانها را آموخته اینکار را از سال ۱۹۹۲ آغاز کردیم و تا ۱۹۹۹ ادامه یافت. هنوز با ایشان هفته‌ای یک بار ملاقات می‌کنم و از فیض ایشان بهره می‌برم و اکنون دوست هستیم. با ایشان مدتی سانسکریت خواندم، البته استاد سانسکریت آقای دکتر Hartmut Scharfe هارتموت شارفه بودند، ودا را نزد اشمیت خواندم. یادم هست که روز اول دانشگاه اشمیت به من گفت که اگر می‌خواهی اوستا و پارسی باستان با من بیاموزی اول باید یک سال سانسکریت بخوانی و یک یا دو ترم ودا (سانسکریت باستانی). پس از آن بود که اجازه یافتم بر سر کلاس اوستا ایشان حضور یابم و آن وقت بود که علت این دستور او را دریافتم. در سر کلاس گااها بود که دیدم متون دیگر ایرانی تقریباً بی‌فایده است و این متون ودا هستند که می‌توانند کمپکی بر سر رمز و راز گااها‌های زرتشت بیندازند. فهمیدم که چقدر این سرودهای نوشته شده پیچیده و گنگ می‌باشند و شش نفره: یک استادمان که یکی از معروفترین و دانشاسان و گااشناسان دنیاست و چهار دوست که به زبانهای دیگر هند و اروپایی

مانند هتی Hittite و یونانی و لاتین و ژرمنی و اسلاوی، باز نمی‌توانستیم از این متون سر در بیاوریم و برآستی بگوییم که صد در صد این متون را می‌فهمیم. پس از دو ترم مطالعه گاتاها که همراه چند دانشجو زبانهای هند و اروپایی بودم چهار ترم اوستا نوین (یشتها و غیره) همچنین باید بگویم که استعداد من نسبت به دیگر دوستانم در کلاس که دانشجو رشته هند و اروپایی بودند از نظر فراگیری این زبانها کُندتر بود. کلاسهای پارسی باستان و کلاسهای پارتی، سغدی و پهلوی را در مدت ۵ سال این زبانها را مطالعه کردم. مقداری یونانی و لاتین را نیز فرا گرفتم.

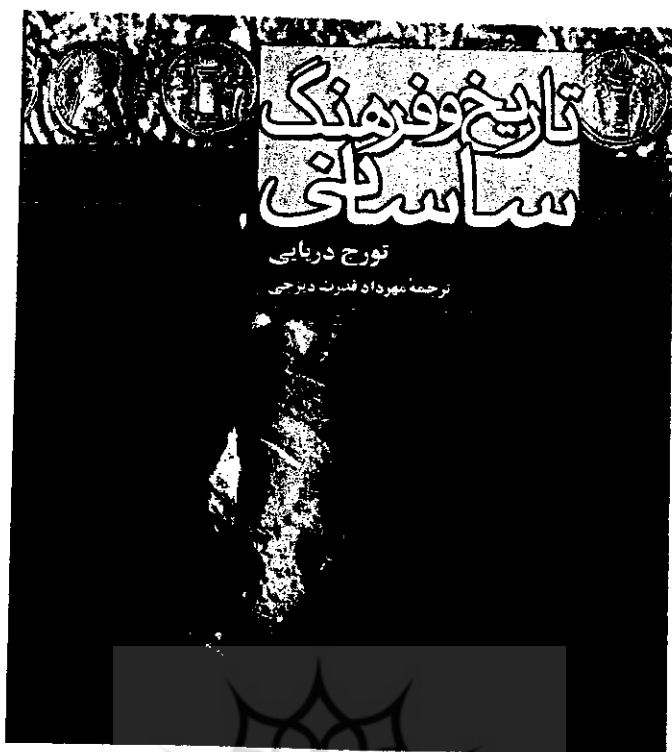
در همان زمان با دو استاد تاریخ نیز کار کردم. یکی دکتر مایکل مورنی بود Michael Morony که استاد دوران اواخر باستان Late Antiquity و دوران قرون وسطی خاورمیانه بودند. ایشان کارشان دربارهٔ اوضاع اواخر حکومت ساسانیان، بخصوص در بین‌النهرین بود و تنها کسی بود، که در آمریکا یک کلاس تاریخ دوره ساسانی را تدریس می‌کرد. از این فرصت استفاده کرد و نزد ایشان تاریخ این دوره را مطالعه کردم. تاریخ اشکانی و هخامنشی را نمی‌توانستم آنچنان که باید و شاید مطالعه کنم چون استاد آن نبود و زبانهای دیگری لازم داشت. در این زمان بود که با استاد دیگرم خانم دکتر کلادیا رپ Claudia Rapp تاریخ روم، بخصوص امپراطوری روم را مطالعه کردم و منابع مهم و با اهمیت برای تاریخ ایران را نیز دریافتیم. ایشان بر فراگیری زبان لاتین و یونانی تأکید بخصوصی داشتند. اما دکتر مورنی به من توصیه کرد که به نیویورک نیز بروم و نزد دکتر مایکل بیتس Michael Bates، در موزه سکه‌شناسی آمریکا که یک بورس دو ماهه داشت وارد شوم و اهمیت سکه و مهرها را دریابم. او کاملاً درست می‌گفت و در آنجا بود که مرا به فکر تز دکترایم انداخت و آن مقایسه سکه‌ها و مهرها با متون کتبی برابر شناخت مورد اواخر حکومت ساسانی بود.

— تاکنون چه مقالات و در چه موضوعاتی و به چه زبانی از شما منتشر شده است؟

تاکنون بیش از ۳۲ مقاله بجاپ رسانده‌ام و ۳ کتاب (بیشتر آنها به زبان انگلیسی) در آمریکا و اروپا بوده و تعدادی هم به فارسی. بهر حال اگر امروزه کسی می‌خواهد حرفی بزند که جدید است باید به زبان بین‌المللی و در مجله‌های بین‌المللی باشد. بیشتر آنها دربارهٔ تمدن و تاریخ ساسانی است و تعدادی دربارهٔ مذهب زردشتی و متون پهلوی می‌باشد. همچنین دربارهٔ اسطوره‌های هند و ایرانی مقالاتی دارم.

— از چه زمانی و در چه رشته‌ای در آمریکا تدریس می‌کنید؟

من در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در شهر فولرتون کرسی استادی تاریخ دنیای باستان را دارم. این



کار را در سال ۱۹۹۹ پس از گرفتن دکترای خود در رشته تاریخ از دانشگاه UCLA آغاز کرده‌ام و در این دانشگاه تاریخ ایران باستان؛ یونان؛ روم؛ تاریخنگاری؛ تاریخ دنیای باستان؛ و تاریخ خوراک تدریس کرده‌ام. هر چند سال نیز به عنوان استاد مهمان در دانشگاه UCLA در رشته تاریخ، تاریخ دنیای باستان یا ایران باستان را تدریس می‌کنم. کالیفرنیا را دوست دارم، آب و هوای بسیار خوبی دارد و پر از ایرانی هست و مادرم نیز در نزدیکی من زندگی می‌کند. در این دانشگاه نیز کارم همیشگی است و استاد تمام وقت و مادام‌العمر شده‌ام. البته دوست دارم در دوران فراغت در ایران نیز تدریس کنم.

— تاکنون دو کتاب از شما به فارسی ترجمه شده، چرا به فارسی ننوشتید؟ آیا از ترجمه‌های فارسی کتابهای خود راضی هستید؟

بله تاکنون یک کتاب به انگلیسی که ترجمه متن پهلوی شهرستانهای ایران شهر است به چاپ رسیده و دو کتاب دیگر به فارسی. کتاب اول بنام «سقوط ساسانیان: فاتحین خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان» نام دارد.

موضوع کتاب بررسی اوضاع شاهنشاهی ساسانی، به خصوص در استان فارس و آثار حمله اعراب مسلمان بر آن ناحیه بوده. کاری که من سعی کردم در آن فتوح مانند کتاب فتوح البلادان را

با منابع دسته اول مانند سکه‌های ساسانی و عرب ساسانی و مهرهای اداری ساسانی مقایسه کنم. به نظر من اشکال متون عربی و فارسی در این است که ۲ و یا ۳ قرن پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی نوشته شده‌اند و دیدی به این موضوع دارند که کاملاً تاریخی نیست، یعنی این متون یا برخی از این متون سعی در بازگو کردن اینکه چگونه یک عده اعراب با محدودیت‌های خود و توکل به دین جدید توانستند شاهنشاهی ساسانی و امپراطوری روم را شکست دهند کرده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت این کتب بیشتر مانند کتاب حماسی به کتابت در آمده‌اند و حالت رجزخوانی دارند. برای فهم شکست ساسانیان بنده سعی کرده‌ام کتاب را به این صورت بنویسم. فصل اول: لیست منابع گوناگون و تقسیم منابع دسته اول (مهرها و سکه‌ها) منابع دسته دوم (متون یونانی، ارمنی) و منابع دسته سوم (کتب پهلوی، عربی و فارسی). همینطور بررسی کارهایی که در مورد این موضوع تا به حال انجام گرفته.

فصل دوم: اوضاع اداری استان فارس در اواخر دوره ساسانی و اثرات حمله اعراب بر آن. به این نتیجه رسیده‌ام که در اواخر دوره ساسانی به خاطر جنگها داخلی و همینطور جنگ با روم اوضاع آشفته بود و با آمدن اعراب مسلمان سیستم اداری ساسانی دوباره آراسته شد، و کما آنکه خلفای عباسی نیز این سیستم اداری ساسانی را نگه داشتند.

فصل سوم: اوضاع سیاسی اواخر دوره ساسانی، یعنی پس از مرگ خسرو پرویز که به سه دوره آنرا تقسیم کرده‌ام: ۱) «دوره برادرکشی و نقصان مشروعیت پادشاهی» (۶۲۸ میلادی - ۶۳۰) ۲) «نفاق و چند دستگی» (۶۳۰ میلادی - ۶۳۲): و ۳) «پادشاه سرگردان» (یعنی یزدگرد سوم). در این فصل سپس نشان داده‌ام که چه نکاتی را متون دسته اول مانند سکه‌ها و مهرها درباره فتوحات و مقاوت‌های مردم فارس به ما می‌گویند. به نظر می‌رسد که این مقاومتها طولانی‌تر و شکست شهرها دراز مدت‌تر بوده.

فصل چهارم: درباره عکس‌العمل مردم زرتشتی به پایان مقاومت‌های نظامی ایرانیان و رجوع آنها به متون آخر زمانی است. نشان داده‌ام این متون آخر زمانی زرتشتی وقایع مهم اوئل دوره اسلامی را در بر دارد و نشان دهنده آرزوی زرتشتیان به روزی که سوشیانس (نجات دهنده آنها) با ارتش بتواند ایرانشهر را دوباره آزاد سازد.

باید بگویم آنچه که از ایران شنیده‌ام اینست که ترجمه چنان خوبی از ترم نشد. این به چند دلیل می‌تواند باشد، به خصوص که از زبانهای مختلف استفاده شده، انگلیسی آن آکادمیک بوده و همینطور لازم بود که فارسی زبانی که تخصص این رشته را در ایران داشته تا آنرا تصحیح کند، نشر تاریخ ایران زیر نظر دکتر نظام مافی با تاریخ معاصر سر و کار دارد و نه دوره من و شاید به همین دلیل آنطوری که باید و شاید ترجمه خوبی انجام نشد. البته من نیز بی‌تقصیر نیستم و

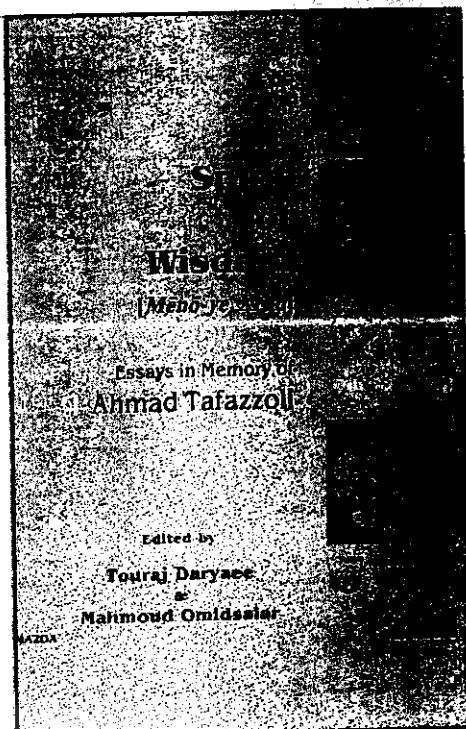
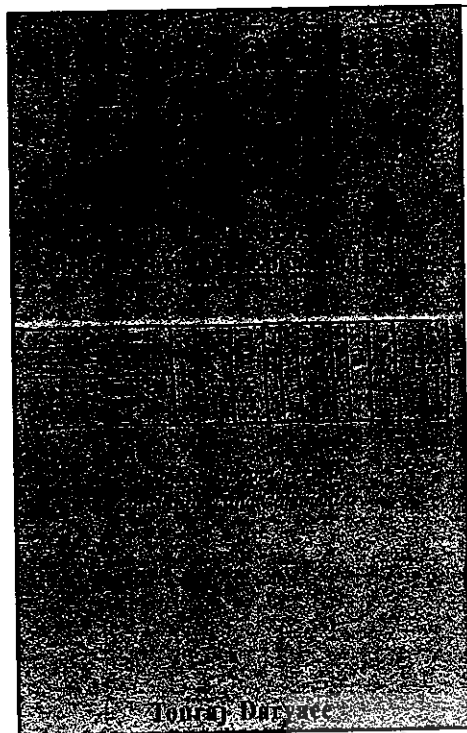
خانم اتحادیه لطف کردند و این کار را برای ترجمه و چاپ قبول کردند. این اولین کار من با انتشارات ایران بود. من خودم وقت ترجمه آنرا نداشتم و بیشتر به این فکرم که اگر به انگلیسی بنویسم خوانندگان بیشتر هستند. البته اینطور که شنیده‌ام این کتاب در ایران خریدار بسیاری پیدا کرده. استاد ایرج افشار همیشه به بنده می‌گویند که نوشتن به زبان فارسی خوانندگان بیشتری خواهد داشت.

— جنابعالی سردبیر مجله ایران باستان هستید؟ این مجله از چه زمانی و با چه هدفی منتشر می‌شود؟

بله، من پس از ۱۵ سال در سال ۱۹۹۹ به ایران آمدم و مایل بودم که با ایرانشناسان و اوضاع ایرانشناسی و بخصوص تاریخ دانان ایران باستان در تماس باشم. آنچه باعث شگفتی می‌شد این بود که یک مجله در حد آکادمیک، یعنی با هیئت تحریره و داوری در رشته ایران باستان در کشور خودمان وجود نداشت. برای همین تصمیم گرفتم که همکاری با مجله‌ای شروع کنم که اینکار را انجام دهد و ایرانشناسان آمریکا، اروپا و ایران و دیگر نقاط جهان را به هم نزدیک کند و در تماس قرار دهد و از ایران این کار انجام گیرد.

البته اینکار به تنهایی نمی‌توانست انجام یابد و دوست من آقای ابوالفضل خطیبی بود که این ایده را پسندید و دنبال کار را گرفت. ایشان هستند که در ایران کارها را انجام داده‌اند و اکنون نیز انجام می‌دهند. آقای خطیبی این موضوع را با دکتر نصرالله پورجوادی در میان گذاشت و ایشان پذیرفتند که مخارج چاپ و کارهای چاپی آنرا در نشر دانشگاهی انجام دهند. من در آنسوی آب‌ها هیئت تحریره‌ای گرد هم آورده‌ام که از ایران، آمریکا و اروپا بودند یا در این نقاط استادان ایرانشناسی هستند. هیئت تحریره از شش دانشمند ایرانی، دو انگلیسی، یک ایتالیایی، دو آمریکایی، و دو آلمانی تشکیل شده که در دانشگاه‌های کالیفرنیا، نیوکاسل، بلونیا، تریر، گوتینگن، میشیگان و هاروارد و تهران تدریس و تحقیق می‌کنند. چون مجله آکادمیک هست سعی می‌کنیم استانداردهای جهانی داشته باشیم و معمولاً مقاله توسط دو نفر از هیئت بررسی می‌شود و درباره صلاحیت چاپ آن نظر داده می‌شود.

بعد مقاله برای نویسنده فرستاده می‌شود که تصحیح شود و به چاپ می‌رسد. ۳۰ کپی از مقاله با جلد نفیس برای نویسنده فرستاده می‌شود. من در آمریکا با همه در تماس هستم و کارهای تحریره به زبانهای خارجی را انجام می‌دهم و در ایران کارهای فارسی آن را انجام می‌شود. از لحاظ خوبی کیفیت کار همین که دکتر یارشاطر و دکتر فرای از آن تجلیل کرده‌اند برای من کافی است و می‌دانم که ما داریم کار خوبی را انجام می‌دهیم.



البته حسادت در ایران نمی‌گذاشت که آنچنان که شایسته است مجله براقی بچاپ برسد. مثلاً کسانی که در عمرشان تا به حال یک مقاله به انگلیسی نوشته بودند به گرامر انگلیسی بعضی مقالات اشکال گرفته بودند، یا کسی گفته بود این محمود امید سالار کیست که به خود جرأت می‌دهد که درباره شاهنامه نظر دهد؟ در صورتی که امید سالار یکی از مهمترین متن‌شناس‌ها و شاهنامه‌شناس‌های دنیاست و جلد آخر شاهنامه استاد خالقی مطلق را تصحیح کرده و مورد تأیید خالقی و یارشاطر است و عضو علمی دانشنامه ایرانیکا که مهمترین کار فرهنگی برای ایران می‌باشد، هست. خوشبختانه دکتر پورجوادی گوش به این یاوه‌گویی‌ها نداد و آقای خطیبی در تهران در مقابل این «اساتید» سیر بلا بود. خانم عبدالحسین‌زاده نیز به نحو عالی مجله را تصحیح می‌کنند.

من این مجله را به تمام دانشگاه‌های مهم دنیا از طریق دانشگاه پست می‌کنم و به تک تک دانشمندان خارجی نیز می‌فرستم. شاید این نشانی باشد که ما ایرانیان نیز می‌توانیم در سطح مجلات آکادمیک جهانی کار کنیم و از آنها چیزی کم نداریم. نسل جدید ایرانشناسان ایرانی بهتر از هر زمانی مشغول به کار هستند. دکتر رحیم شایگان در دانشگاه هاروارد نابغه‌ایی است که کمتر کسی می‌تواند به پای او در حیطه ایرانشناسی برسد و نحوه آموزش او در هاروارد توسط اکتور Skjaervo عالی بود و تقریباً تمام زبانهای ایرانی باستان را مطالعه کرده. دکتر کامیار

عبدی باستانشناس مهمی شده که استاد دانشگاه دارتموت آمریکا است و مورد تأیید همه باستانشناسان خارجی می باشد. در همین روند ما باید مجله ای در ایران به چاپ برسانیم و خودمان را نشان دهیم.

— از برنامه های آینده خودتان بگویید؟

امسال کتاب تاریخ ساسانی من به انگلیسی و فارسی به چاپ خواهد رسید. متن فارسی آن ترجمه شده و توسط انتشارات ققنوس به چاپ می رسد. همچنین جلد اول مجموعه مقالاتم که به فارسی ترجمه شده توسط ققنوس به چاپ رسید. اینکار البته مدیون محبت خود شما آقای دهباشی بود و همینطور کار خوب آقای حسین زادگان و آقای فصیحی در انتشارات ققنوس. یادنامه ایی به انگلیسی برای دکتر احمد تفضلی آماده کرده ایم همراه با دکتر محمود امید سالار که تا چند ماه دیگر به چاپ می رسد. کتاب دیگری دارم درباره تاریخنگاری و تصویر جغرافیایی در ایران باستان که آنرا برای چاپ به زبان فارسی این تابستان با خود می آورم.

مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرده است:

- سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو) / تقی پور نامداریان / ۵۳۱ ص / ۳۲۰۰ تومان
- موریانه / بزرگ علوی / ۲۴۶ ص / ۲۰۰۰ تومان
- چشمایش / بزرگ علوی / ۲۸۳ ص / ۱۲۵۰ تومان
- لبان اعتراف / ایرج صف شکن / ۱۵۱ ص / ۹۰۰ تومان
- یکی از زن ها دارد می میرد / حسن محمودی / ۱۲۸ ص / ۸۰۰ تومان
- گندم و گیلاس / منوچهر آتشی / ۱۹۲ ص / ۱۲۰۰ تومان
- ورق پاره های زندان / بزرگ علوی / ۱۵۷ ص / ۷۵۰ تومان
- چیزی به فردا نمانده است / امیرحسین چهل تن / ۱۸۰ ص / ۱۰۰۰ تومان
- فدریکو گارسیا لورکا (گزیده اشعار) / زهرا رهبانی - نازنین میرصادقی / ۱۱۱ ص / ۷۰۰ تومان
- باغ زمستان / پابلو نرودا / اصغر مهدی زادگان / ۲۱۵ ص / ۱۲۵۰ تومان
- مهر گیاه / امیرحسین چهل تن / ۱۷۳ ص / ۱۲۰۰ تومان
- زنان در جامعه / فدریک انگلس و... / اصغر مهدی زادگان / ۱۰۳ ص / ۷۰۰ تومان
- ابراهیم در آتش / احمد شاملو / ۶۳ ص / ۵۰۰ تومان
- آوازه های کولی / فدریکو گارسیا لورکا / رضا معتمدی / ۹۶ ص / ۷۰۰ تومان
- فلسفه اجتماعی ابن خلدون / دکتر طه حسین / امیر هوشنگ دانایی / ۲۴۰ ص / ۱۵۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۲۱، طبقه سوم. تلفن: ۶۶۶۶۹۴۰ — فاکس: ۶۴۰۵۱۹۶

فروشگاه: خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۲۱، طبقه همکف: تلفن ۶۴۸۰۳۷۹